

مقالات دینی مرحوم جواد حدیدی، تأملی بر کتاب رهروان حقیقت

○ محمد کاظم رحمتی

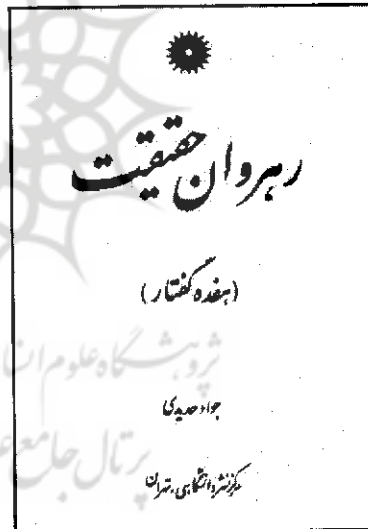
گرویدن به اسلام و حتی نوشتن ردیه بر عقاید گذشته خود در فرهنگ و تاریخ اسلام امر جدیدی نیست. اما گرویدن بعضی از افراد در برخی از دوره‌های تاریخی اهمیت خاصی یافته است. مقاله نخست کتاب، مطلبی درباره یکی از این افراد به نام کلود الکساندر کنت دوبنوال (۱۶۷۵-۱۷۴۷م) است. وی در نوجوانی به نیروی دریایی فرانسه پیوست و به سرعت مدارج ترقی را طی کرد، آن گونه که در ۲۶ سالگی (۱۷۰۱م) با درجه سرهنگی به گارد سلطنتی انتقال یافت. به دلایلی تا از خدمت در ارتش فرانسه چشم پوشی کرد و به ارتش اتریش پیوست و بیست و دو سال ارتش اتریش را در نبردهای مختلف همراهی کرد. در آن زمان، تهدید سپاه عثمانی و حملات نظامی به اروپا، مهم ترین نگرانی و دلمشغولی اروپاییان بود. دوبنوال که درجه ژنرالی را به دست آورده بود، به سعایت یکی از فرانسویان دیگر که به سپاه اتریش پیوسته بود به زندان افتاد. بعد از آزادی و اقامت کوتاهی در ونیز، در سال ۱۷۲۹م به عثمانی پناهنده شد و اسلام آورد و نام احمد را برای خود برگزید. از آنچه که می‌دانست در تقویت ارتش عثمانی بهره گرفت و عثمانیان نیز از او به خوبی بهره جستند. این واقعه در اروپا سرو صدای فراوانی ایجاد کرد و انواع شایعات و اتهامات بر ضد دوبنوال رواج یافت. اما آنچه که برای برخی از اروپاییان جالب توجه بود، علت اسلام آوردن دوبنوال بود. رنسانس در اروپا آغاز شده بود و شناخت ادیان دیگر به عنوان یکی از پیامدهای این حرکت با موج الحاد در اروپا همراه شد. یکی از علاقه‌مندان به ادیان دیگر، ولتر بود. دوبنوال خاطرات خود را مکتوب و برای دوست خود شوالیه دولاموت ژفرار فرستاد که امروز به صورت نسخه خطی در کتابخانه ملی پاریس موجود است. ژفرار ولتر را از وجود این خاطرات مطلع کرد. ولتر در پاسخ شوالیه که خبر در اختیار داشتن خاطرات را به وی داده بود، نوشته است:

«... با سپاس فراوان، دستنوشته کنت دوبنوال را که

○ رهروان حقیقت (هفده گفتار)

○ جواد حدیدی

○ مرکز نشر دانشگاهی



اشاره: مرحوم جواد حدیدی (متوفی: ۱۳۸۱هـ) از عالمان فرهیخته این دیار، چندی است که به رحمت حق پیوسته اما تالیفات و نگاشته‌های وی برای ما باقی است و هر زمان می‌توانیم با مطالعه این آثار، یاد این محقق کوشا را در ذهن خود تازه کنیم. مرکز نشر دانشگاهی در اواخر زندگانی استاد حدیدی، مجموعه‌ای شامل هفده مقاله از مرحوم حدیدی که میان سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۷۹ در مجلات مختلف کشور نشر یافته بود، در کتابی با عنوان رهروان حقیقت (هفده گفتار) به چاپ رساند. نوشته حاضر مروری بر چند مقاله این مجموعه است.



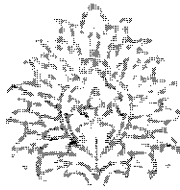
می‌خواهید به من هدیه کنید، دریافت خواهم داشت و هرگونه که شما مصلحت بدانید از آن استفاده خواهم کرد. اعتراف می‌کنم که به دانستن علل مسلمان شدن کنت بسیار علاقه‌مندم. نمی‌دانم در دین محمد(ص) چه چیزی وجود دارد که اعجاب همه را برمی‌انگیزد».

به نظر مرحوم حدیدی این نوشته در ولتر تاثیر فراوانی نهاده و در پالایش ذهن وی از اباطیل ارباب کلیسا درباره اسلام نقش مهمی داشته است.^۱

یکی دیگر از اشراف فرانسوی، در اوایل قرن هجدهم، هانری کنت دوبولن ویلی‌یه^۲، گرچه به ظاهر اسلام نیاورد، برای تعدیل ذهنیت‌های ناروا درباب اسلام فعالیت‌های بسیار کرد. بولن ویلی‌یه در ۱۶۵۸م در سن-سره، در شمال فرانسه به دنیا آمد و بعد از گذراندن بخشی از جوانی خود به خدمت سپاهیگری، رویگردان از نظام به مطالعه روآورد و در باقی عمر، عضو و رهبر انجمنی سری از آزاداندیشان بود. بحث از ادیان مختلف، یکی از مباحث این مجالس بود. آنچه که در این مجالس طرح شده بود، مطالبی درباره اسلام بود. در آن تاریخ دو ترجمه لاتینی از قرآن چاپ شده بود (ترجمه کنونی و ترجمه لودویکو ماراتچی) که ترجمه لاتینی ماراتچی همراه با متن عربی قرآن بود.^۳ آندره دوری‌یه (۱۵۸۰-۱۶۶۰م) نیز ترجمه نسبتاً خوبی از قرآن به فرانسه انجام داده بود. آثاری نیز درباره زندگانی پیامبر چون زندگی محمد(ص) نوشته همفری پریو در ۱۶۹۹م پاریس^۴ و آیین پیروان محمد(ص) نگاشته آدرین ریلند^۵، در ۱۷۲۱م) تالیفات متداولی بودند که اطلاعات فراوانی درباره اسلام در اختیار خواننده قرار می‌دادند.^۶ برخی از نویسندگان از این آثار هنوز به فضای ردیه نویسی مسیحیت بر اسلام تعلق داشتند و برخی چون ریلند و بولن ویلی‌یه به شناخت حقیقت اسلام علاقه‌مند بودند. در این دوره، آشنایی اروپائیان با منابع اسلامی محدود بود و از متون اسلامی، قرآن بیشتر در دسترس بود و برخی از آیات قرآن به مذاق

آزاداندیشان سخت نیکو آمده بود. بولن ویلی‌یه با چنین نگاهی، کتابی به نام زندگی محمد(ص) نگاشت. هفت سال بعد از مرگ بولن ویلی‌یه در ۱۷۲۹م ناشری انگلیسی کتاب را برای ارزشیابی چاپ نزد ژان گانبی‌یه فرستاد. گانبی‌یه استاد زبان عربی در دانشگاه آکسفورد، به آن گروه از محققان اروپایی تعلق داشت که به دین مبین مسیح عقیده داشت و اسلام برای وی حداقل یک دین انحراف یافته بود.^۷ ناشر بدون مشورت با وی، کتاب را چاپ کرد و این خشم گانبی‌یه را برانگیخت و باعث شد کتابی را که در ۱۷۲۳م درباره پیامبر به لاتین نگاشته بود به فرانسه ترجمه کند تا به زعم خود، داوری‌های بولن ویلی‌یه را تکذیب کند.^۸ مرحوم حدیدی در ادامه نقل این مطالب، برخی از تصورات اروپائیان از اسلام در این عهد را نقل کرده و به برخی از نظریات بولن ویلی‌یه درباره اسلام اشاره کرده است.^۹

مقاله دوم، «صداقت ولتر در ستایش اسلام» به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا ستایش ولتر از اسلام از روی حقیقت است یا طنازی و گاه تمسخر می‌کند گاه تمجید. اعتبار این نوشته مرحوم حدیدی از آن روست که ایشان، از ولتر پژوهان به نام روزگار ما بودند و رساله دکتری خود را با عنوان ولتر و اسلام به چاپ رساندند.^{۱۰} ولتر، همانند هر اندیشمندی، در گذر زمان به دلیل تغییر در دانسته‌های خود درباره اسلام، تغییر موضع داده است. این نظری است که مرحوم حدیدی سعی کردند تا با بررسی آثار ولتر به توالی تاریخی اثبات کنند. مرحوم حدیدی زندگی ولتر را به سه دوره تاریخی تقسیم می‌کند. دوره نخست از سال ۱۷۰۵م و ورود ولتر به دبیرستان لویی کبیر آغاز می‌شود و در ۱۷۴۲ پایان می‌یابد. دانش ولتر در این دوره، معلوماتی سطحی است که وی همچون دیگر مسیحیان از معلمان خود آموخته است. نمایشنامه «فناتیسیم» که در سال ۱۷۳۹م اجرا شد و ولتر نگارنده آن بود، حاصل این دوره از فعالیت وی است. دوره دوم از ۱۷۴۲ تا ۱۷۶۳، زمان آشنایی ولتر با اسلام از طریق متون ترجمه شده اسلامی یا



موجب زبان عربی و امکان چنین فعالیت‌هایی شده بود. دوری به مدتی را به فعالیت‌های سیاسی در سفارت فرانسه در عثمانی سپری کرد. سپس به مصر رفت. در سال ۱۶۳۴م ترجمه‌ای از گلستان را منتشر کرد که نشان می‌دهد وی به زبان فارسی نیز آشنایی داشته است. در حدود سال ۱۶۴۰م به ترجمه قرآن پرداخت که در سال ۱۶۴۷م به چاپ رسید. در ۱۶۴۹م نیز تجدید چاپ شد. این ترجمه خود مبنایی برای ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر شد. الکساندر راس^{۳۱}، نخستین مترجم قرآن به زبان انگلیسی، ترجمه خود را براساس ترجمه دوری به منتشر کرد. گلاز مارنر در ۱۶۵۸م این ترجمه را به هلندی، لنگ^{۳۲} در ۱۶۸۸م به آلمانی و دمیتریوس کانتیمیر در ۱۷۱۶م آن را به روسی برگرداند.^{۳۳}

این ترجمه تا مدت‌ها اعتبار فراوانی داشت و فقط پس از چاپ ترجمه فرانسوی بیبراشتاین کازیمیرسکی در ۱۸۴۰م از رونق آن کاسته شد و آرام آرام به فراموشی سپرده شد. سؤالی که آقای حدیدی در ادامه این مقاله مطرح کرده، منابعی است که دوری به در کار ترجمه از آنها بهره برده است. این منابع تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس،^{۳۴} انوار التنزیل بیضاوی، الدر المنثور سیوطی، التبیان فی ایضاح القرآن عکبری و چند متن دیگر بوده است. هر چند این احتمال مطرح است که برخی از این منابع به واسطه در اختیار دوری به بوده باشد و وی از ترجمه لاتینی ماراتچی نیز بهره برده باشد.^{۳۵} در ادامه آقای حدیدی نقاط قوت ترجمه دوری به را برشمرده است.

مقاله بعدی آقای حدیدی، گزارشی از ترجمه رژیس بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳م) از قرآن است. بعد از نگاهی مجمل به کارنامه علمی بلاشر به داوری درباره ترجمه وی از قرآن می‌پردازد. بلاشر به تبعیت از پژوهش‌های فلوگل و نولدکه، براساس اسباب النزول و تغییر نظم مصحف عثمانی قرآن را ترجمه کرد (چاپ اول ۱۹۴۷م). توجه بلاشر به مسائل زبان شناختی و فقه اللغوی و دربند متن بودن، ترجمه او را تحت اللفظی کرده است. گرچه این شیوه را پس از وی دینیز ماسون^{۳۶} در ترجمه خود از قرآن (که در ۹۰۰ صفحه منتشر شده است) نیز در پیش گرفته است. اشکال این روش، همان گونه که مرحوم حدیدی اشاره کرده‌اند، نامفهوم شدن بعضی از عبارات است. مرحوم حدیدی، مواردی از این اشکالات را با کاستی‌های دیگر ترجمه بلاشر ذکر کرده‌اند.^{۳۷}

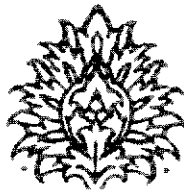
شرکت در محافل آزاداندیشی چون محفل ادبی بولن‌ویلی به است. دوره سوم، از ۱۷۶۳ تا ۱۷۷۸، دورانی است که ولتر در نگارش‌های خود به دفاع از اسلام می‌پردازد که به گمان وی همان دین فطری بوده است.^{۳۸} مرحوم حدیدی براساس این تقسیم‌بندی، آشنایی ولتر با اسلام را تعقیب کرده و آنچه را که ولتر در این سال‌ها درباره اسلام نگاشته، ارزیابی کرده است.

مقالات بعدی این کتاب (نوشتار سوم تا هشتم) تاملاتی درباره ترجمه‌های قرآن به فرانسه است. در اولین مقاله از این مقالات، تاریخچه ترجمه قرآن به فرانسه برای نخستین بار بیان شده است. در آغاز بحث، مرحوم حدیدی در اشاره به پیشینه این ترجمه‌ها می‌نویسد:

«نخستین آنان [کشیشانی که به ترجمه قرآن می‌پرداختند] پی‌یردو کلونی، رئیس صومعه‌ای در شرق فرانسه بود که او را «پی‌یر محترم» نیز می‌نامیدند. وی در سال ۱۱۴۱ میلادی، ضمن سفر به اسپانیا و مشاهده وضع مسیحیان آن جا، بر آن شد که قرآن را به لاتینی، زبان علمی و مذهبی آن روزگار، درآورد تا با استناد به برخی از آیات متشابه، آسان‌تر بتواند به رد آن برخیزد. پس یکی از مستعربان طلیطله را، به نام پی‌یر دوتولد، بدین کار گماشت. اما وی لاتینی خوب نمی‌دانست. پی‌یردوکلونی چندتن از کشیشان مقیم اسپانیا، از جمله روبردوکتون را به خدمت گرفت تا ترجمه پی‌یردوتولد را به زبان فصیح لاتینی بازنویسی کنند. آنان نیز با لفاظی و عبارت‌پردازی بسیار چنین کردند» (ص ۳۳-۲۴).

این عبارت‌ها خالی از اشکال نیست. این درست است که نخستین ترجمه کامل قرآن به زبان لاتینی به خواهش پیتر جلیل انجام شده است. اما این ترجمه را رابرت کتونی، خود به تنهایی انجام داده است. پیتر طلیطله‌ای نیز رساله‌ای جدا را به لاتینی برگردانده است، یعنی رساله الکندی الی‌الهاشمی و رساله الهاشمی الی‌الکندی. پیترطلیطله‌ای بعد از ترجمه این کتاب به دلیل ضعف زبان لاتینی دیگر نتوانست به همکاری با پیتر جلیل ادامه دهد، از این رو پیتر جلیل در جستجوی فردی بود که ضمن آشنایی با عربی به زبان لاتینی نیز تسلط لازم را داشته باشد و این کسی جز رابرت کتونی نبود.^{۳۹}

آندره دوری به نخستین فرد فرانسوی زبان است که قرآن را از متن عربی به فرانسه ترجمه کرد. روابط تجاری یا عثمانی



که قبل از وی تنها بلاشر در میان مترجمان فرانسوی زبان قرآن آن را نقل کرده‌اند.^{۳۳}

«تاریخچه ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه» نگاه کلی است به روند ترجمه‌های قرآن به فرانسه که علاوه بر اطلاعاتی که در مقالات قبلی، آمده حاوی نکات جالبی است. مطالعات اسلامی در فرانسه، با فعالیت‌های فردی به نام گیوم پوستل که مرحوم حدیدی به وی اشاره‌ای نکرده، جان تازه‌ای گرفت.^{۳۴} تاسیس مراکز آموزش زبان‌های شرقی، چون مرکزی که لوئی لانگلس (متوفی ۱۸۲۳م) در مارس ۱۷۹۵ تاسیس کرد با فعالیت‌های کسانی چون سیلوستر دوساسی (۱۷۵۳-۱۸۳۸م) اوج گرفت. وی از سال ۱۸۲۳م مجله آسیایی^{۳۵} را منتشر کرد که محفلی برای درج مقالات و نوشته‌های اسلام شناسان شد. جمع‌آوری نسخه‌های خطی که گیوم پوستل از پیشتازان آن بود با فعالیت‌های دیگران پیگیری شد. حمله فرانسه به الجزایر نیاز به آگاهی از اسلام را تشدید کرد و این گونه، برگردان حدیدی از قرآن، با وجود دو ترجمه کامل البین دوکازیمیرسکی بیبرشتاین (۱۸۰۸-۱۸۸۷م)، شکل گرفت. در ادامه مقاله، مرحوم حدیدی به ترجمه‌های فاطمه زبیده که در ۱۸۱۶م (در لیسبون پرتغال) منتشر شده، برگردان ادوار مونته (۱۸۵۶-۱۹۳۴م) ترجمه احمد لائیمش و دیگران اشاره کرده و از جایگاه علمی هر یک از این مترجمان سخن گفته است. در پایان این مقاله، جدولی از این ترجمه‌ها، همراه با اولین تاریخ چاپ آنها آمده است.

این هشت مقاله، وحدت موضوعی دارند و هر یک گزارشی از ترجمه‌های قرآن را به فرانسه ارائه می‌کنند.

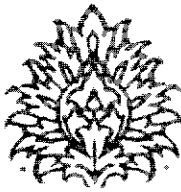
مقالات بعدی این مجموعه، سمت و سوی متفاوت دارند. مقاله «آزادی در اسلام» به اجمال، مفهوم آزادی در اسلام را به بحث نهاده است هر چند که دیدگاه‌های مرحوم حدیدی در این مقاله خالی از مناقشه نیست. مقاله «برخورد اندیشه‌ها»، تعاملات فکری روسو و ولتررا بررسی می‌کند و در مقاله بعدی مفهوم جبر و سرنوشت در شاهنامه فردوسی بررسی شده است. مقالات دیگر این کتاب، صبغه ادبی دارند. نگارنده این سطور در معرفی این کتاب به هشت مقاله نخست کتاب توجه داشته است. این کتاب، همانند دیگر نوشته‌های مرحوم حدیدی آکنده از نکات آموزنده و جالب است و وجود برخی اشکالات جزئی از اهمیت آن نمی‌کاهد.

نوشتار ششم، گزارشی است از برگردان فرانسوی کلوداتی‌ین ساواری (۱۷۴۹-۱۷۸۸م) که برای نخستین بار در ۱۸۷۳م منتشر شده است. زمانی که ساواری، به ترجمه قرآن پرداخت هنوز ذهنیت مشوشی از اسلام، میان اروپاییان وجود داشت. این گفته که مرحوم حدیدی از آدرین ریلند نقل کرده است، گویای این نکته است: «اگر بر روی کره زمین تنها یک دین وجود داشته باشد که دشمنانش آن را به زشت‌ترین شکل وصف کرده و مورد نفرت دیگران قرار داده باشند، به گونه‌ای که یک فرد خردمند حتی از نوشتن رد برافسانه‌هایی که به آن نسبت داده‌اند، عار داشته باشد، آن دین، دین اسلام است»^{۳۶}

یکی از ویژگی‌های برگردان ساواری، نگاه نقادانه وی به ترجمه ماراتچی است. مرحوم حدیدی برخی از بدفهمی‌های این کشیش ایتالیایی را که چهل سال از وقت خود را به ترجمه و رد قرآن اختصاص داده، به نقل از ساواری، آورده است.^{۳۷}

«ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه، مروری است بر ترجمه احمد بودیب. این مترجم قرآن به فرانسه، از اهالی کشور الجزایر است که ترجمه خود را در نهم ژانویه ۱۹۲۱ آغاز کرده و شانزده سال بعد، در ۲۳ دسامبر ۱۹۶۶ به پایان رسانده است. نکته خاص ترجمه بودیب، علاوه بر برخی اشکالات، تمایلات اباضی وی است که به نقل برخی مطالب‌شاذ انجامیده است. که مرحوم حدیدی به آنها اشاره کرده است.

مقاله بعدی نگاهی است به ترجمه آندره عبری‌وار شورکی (شورقی) یهودی الجزایری تبار که در ۱۹۱۷م در عین تموجنت در خانواده‌ای یهودی تبار، از یهودیان اسپانیایی به دنیا آمده است. وی از سال ۱۹۵۹م تا ۱۹۶۳م مشاور بن‌گورین و مدتی معاون شهرداری بیت المقدس بود. وی قبل از ترجمه قرآن، تورات را از متن عبری در ۲۶ جزوه از ۱۹۷۲م تا ۱۹۷۷م که در ۱۹۸۵م در یک مجلد تجدید چاپ شده، عهد جدید را در ۱۹۸۴م، تفسیری برعهد قدیم را در ۱۰ مجلد (۱۹۸۵-۱۹۸۹) در فرانسه منتشر کرده است. آنچه که در ترجمه شورکی، بسیار به چشم می‌آید، عبری‌گرایی وی در ترجمه قرآن است که گاه در ترجمه برخی عبارات‌ها اشکالاتی را پدید آورده است.^{۳۸} مرحوم حدیدی برخی از این اشکالات را نقل و نقد کرده است اشکال دیگر شورکی، نقل داستان غرانیق در ذیل آیه بیستم سوره نجم است



روانش شاد باد و اجرش با پروردگار مهربانش.

نیز منتشر کرده است. ر.ک:

عبدالله عباس الندوی، ترجمت معانی القرآن الکریم و تطور فهمه عندالقرب (درسته شامله عن ترجمت معانی القرآن الکریم فی اللغه الانجلیزیه) مکه، ۱۴۱۷ق، ص ۴۰.

متاسفانه توضیحات آقای ندوی درست نیست. در باره منابع و متونی که ماراتچی در ترجمه قرآن از آنجا بهره برده است. ر.ک:

carlo Alfonso di <le Fonti Arabe Manoscritta dell operadi ludovico marracci sul corano Rendiconti della .R.Accademia die ser.6 VII(1931), pp. 303-349Lincei,

ترجمه ماراتچی به دستور پاپ اینوسان یازدهم (Innocent XI) انجام شده است. برای توضیحاتی درباره زندگی و چاپ کار ماراتچی ر.ک:

Denison Ross, Ludovico Marracci "Bulltin of school of oriental and african studies, 2(1921-23), pp. 117-123, Duncan Brock-way, "The second edition of volume I of marracci Al-corani Universus, "The muslim world, 64 (1974) pp.Textus 141- 144

7-Humphrey prideaux, la viede...Mahomet paris 1699

8-adrian reland, la religion des paris, 1699 mahometans exposee par leurs propres docteurs, la haye. 1721

۹. مهم ترین نگاشته‌ها درباره اسلام و پیامبر در این زمان آثار زیر است:

J.Gagnier , la vie de mahamet, 3 vol, 1748 lamaitresse, and Dujarrvic, vie de Mahomet d'apres la tradition, 1897, 1898; A.sprenger , leben und lehre des mahammed, 3vol, 1861-1865 w.muir, life of mahomet, 4vd, 1858- 1861 abbrev by weir, 1912; G.weil, Mahammed der prophet sein leben und seine lehre, 1843; th .noldeke, das leben Muhameds nach den Quellen popular dargestellt, 1863, l.krehl , das leben des muhammad, 1884, Aug Muller, der Islam Im morgen;und Ab endlande, i, 44sq; R.dozy, Essai sur l'histoire de

پانویس:

۱- از این گونه کتاب‌ها می‌توان به افحاح اليهود نوشته سموال بن یحیی مغربی (متوفی ۵۷۰ق) و اقامه الشهود فی الرد علی اليهود نوشته محمدرضا یزدی (جدید الاسلام) اشاره کرد. ر.ک الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ برای گزارشی از نگاشته‌های مسلمانان درباره اهل کتاب با تکیه بر یهود ر.ک

Camilla patricia wilhelmina maria adang, muslim writers on judaism and the hebrew, 13ible from Ibn rabban to Ibn-hazm, Nijmegen. 1993.

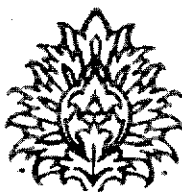
2-claude Alexandre comte de bonneval. see Encyclopedia of Islam, s.v «Ahmad pa sha Bonneval»,by h.Bowen'vd. I.p. 291b

3- Chevalier de la motte- Geffrard

۴- در باره این اباطیل ر.ک: جواد حدیدی، تاریخچه ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه، ص ۱۰۸-۱۰۹ (در رهروان حقیقت)، همو، اسلام از نظر ولتر، ص ۱۴-۳۵

5.henri comte de Boulainviliers

۶- لودویکو ماراتچی (Ludovico Marracci؛ ۱۶۱۲-۱۷۱۰م) کشیش ایتالیایی که چهل سال از عمر خود را به ترجمه قرآن به زبان لاتینی گذراند. عبدالله عباس الندوی درباره این ترجمه نوشته است: «پس از ترجمه روبرت چستری و هرمان [ترجمه لاتینی دیگری انجام شد که آن را لودویکو ماراتچی ایتالیایی در سال ۱۶۶۸م در یادوا به چاپ رسانده است و گفته‌اند: ماراتچی، فردی عالم به زبان عبری و عربی و برخی زبان‌های سامی بوده است و کتابخانه‌ای شخصی، مملو از کتاب‌های دینی داشته است. حتی نسخه‌های خطی دیگر کتابخانه‌های ایتالیا نیز در اختیار وی بوده است اما کسی از هم عصران وی و افراد پس از او، نمی‌دانند که ماراتچی در ترجمه قرآن از چه منابعی بهره برده است. در کتابخانه وی که پس از مرگش به فروش رسید، قاموسی عربی و کتابی در تفسیر نبوده و دلیلی بر این که وی از کشورهای عربی زبان دیدار کرده، نیز در دست نیست و آنچه که درباره وی دانسته است، آن است که وی رایزن پاپ اینوسان دهم بوده است و این ترجمه را به امپراتور روم لیپود اول تقدیم کرده و رساله‌ای نیز درباره اسلام و پیامبر به نام P'rodromus دارد که آن را در حکم مقدمه‌ای بر ترجمه‌اش نگاشته که آن را جداگانه



- خطی که در اختیار وی بوده و بعد از مرگش به فروش رسیده است، جز تفسیر انوار التنزیل بیضاوی، اثری تفسیری موجود نیست. محققان معتقدند که وی از ترجمه لاتینی ماراتجی که حاوی متن عربی عبارتهایی از تفاسیر مختلف بوده، بهره گرفته است. ر.ک: عبدالله عباس الندوی، همان ص ۴۸.
- 21-Denise Masson, *essai d'interpretation du coran inimitable*, Callimard, 1967 pp. 1200
- دبیز ماسون مؤلف اثر «بررسی تفصیلی درباره قرآن و وحی در مفهوم یهودی-مسیحی» پاریس ۱۹۵۸ است. ر.ک:
- chretienne. idem, *le coran et la revaltion Judeo- Tomes I.II* parise: Adrien-Maisonneuve. 1958
۲۲. مقدمه بلاشر بر این ترجمه را مرحوم دکتر محمود رامیار با عنوان در آستانه قرآن به فارسی ترجمه کرده‌اند.
۲۳. مرحوم حدیدی این مطلب را از کتاب مهم ریلند با مشخصات زیر نقل کرده است:
- Adrian Reland, *Dela Religion mahometane*, exposee par leurs propres docteurs, utrecht, 1705, p. 123
۲۴. مرحوم حدیدی در یادنامه‌ای که در دانشگاه مشهد در نکوداشت ایشان به چاپ رسیده است، شواهدی از این دست را آورده‌اند. ر.ک
۲۵. در مورد نقدهای دیگر بر ترجمه شورکی ر.ک
- Abdallah cheikh moussa, " de l'hebraisation mondene du coran "Arabica, xLII (1995), pp. 107-126
۲۶. در باره افسانه عرانیق ر.ک: الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء ص ۱۵۴-۱۵۱.
۲۷. این مقاله در مجله دانشکده ادبیات مشهد ویژه نامه مرحوم حدیدی نیز چاپ شده است.
۲۸. درباره این فرد و اهمیت وی در مطالعات اسلامی ر.ک:
- Hartmut Bobzin, *Der Koran im zeitlater der Retormation: Studien zur Fruhgeschichte der Arabistik und Islam Kunde in Europa*, Beirut, 1995, pp. 365-497.
- 29 - journal Asiatique
- L'islamisme, 1879, p, 18 sqq; H.Grimme, mohammed, 2vol, 1892, 1895 and mohammed 1904
- برای فهرست کاملتر این آثار ر.ک: دائرةالمعارف اسلام، ویرایش اول و دوم ذیل مدخل محمد(ص).
۱۰. نگاشته آدرین ریلند، از معدود آثاری است که با چنین ذهنیتی نگاشته شده است
- 11-Jean Gagnier, *la vie de Mahomet, traduite et compilee de L'alcoran, des traditions authentiques de la sunna*, Amsterdam, 1732.
- 12- Javad Hadidi, *voltaire et l'Islam*, paris 1974.
- ترجمه فارسی این اثر به قلم مرحوم حدیدی با عنوان اسلام از نظر ولتر (نهران ۱۳۷۴، چاپ پنجم) دردسترس است.
۱۳. همچنین تفصیل مطلب را در جواد حدیدی اسلام از نظر ولتر، ص ۳۷-۴۱ ببینید.
۱۴. در این مورد ر.ک: جواد حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ص ۴۵-۴۷، ۱۲۴ به بعد.
۱۵. برای گزارش کامل این ماجرا و ترجمه ر.ک:
- James Kritzeck "Robet of ketton's translation of the Quran, "Islamic Quarterly, II (1955), pp. 304-312; Ibid, peter the venerable and Islam (princeton, 1964); Hartmut 13obzin, "latin Translation of the koran; A Short Overview "Der Islam, 70 (1993), pp. 16 - Aleandr Ross] 17 - lange
۱۸. همچنین بنگرید به مدخل ترجمه قرآن در ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر) نوشته نگارنده در دانشنامه جهان اسلام (در دست انتشار)
۱۹. این تفسیر به خطابه فیروز آبادی منسوب است.
۲۰. جرج سیل (۱۶۹۷-۱۷۳۶م) دومین مترجم قرآن به زبان انگلیسی که برخلاف الکساندر را اولین مترجم قرآن به انگلیسی قرآن را از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده بود، از متن عربی قرآن در کار ترجمه بهره گرفته است، در آغاز ترجمه خود گفته است که به مجموعه‌ای از متون اسلامی دسترسی داشته است. اما در فهرست مجموعه نسخه‌های